

یکی از معدود امدادگران هلال احمر می‌گوید مردم از حضور ارتش در منطقه بسیار راضی و می‌گویند سربازان ارتش بسیار به آنها کمک کرده‌اند.

از هر خانواده چندین نفر جان خود را از دست داده‌اند؛



۷۲ ساعت بعد از زلزله ویرانگر ازگله کرمانشاه، همچنان مردم زلزله‌زده نسبت به نحوه امدادرسانی گله‌مند هستند؛ حتی بسیاری همچنان در فضای باز بدون چادر شب را روز می‌کنند. با اینکه امدادرسانی از همان ساعات اولیه آغاز شده است اما مردم از نحوه امدادرسانی گله‌مند هستند و تعداد زیادی از آنها هنوز چادر دریافت نکرده‌اند.

به گزارش اسپادانا خبر، در اسلام‌آباد غرب مردم با توجه به پس‌لرزه‌هایی که همچنان این منطقه را می‌لرزاند، در بیرون از خانه‌هایشان زندگی می‌کنند. وضعیت مردم این منطقه از نواحی دیگر که تحت تأثیر زلزله بوده‌اند بسیار بهتر است؛ آنها در کنار خانه‌هایشان آتش روشن کرده و با اعضای خانواده شب را روز می‌کنند؛ البته ساختمان‌های عمومی شهر مانند بیمارستان‌ها و چند ساختمان اداری دیگر ریزش کرده است. هرچند این ساختمان‌ها به‌طور کامل تخریب نشده اما غیرقابل استفاده هستند. مردم شهر از اینکه وضعیت عادی شهر به هم خورده و مسئولان هنوز به آنها رسیدگی نکرده‌اند، ناراحت هستند. یکی از اهالی شهر اسلام‌آباد می‌گوید: قبول دارم باید اول به جاهای دیگر که وضعیت بسیار بدی دارند رسیدگی شود و بعد به ما توجه کنند اما ۷۲ ساعت از ماجرا گذشته و هنوز کسی به ما سر نزده است. خانواده‌هایی که تمکن مالی داشتند، خودشان چادر خریداری کرده و زندگی می‌کنند اما آنها که نمی‌توانستند، همچنان در کنار خیابان و در فضای باز می‌خوابند. در این منطقه خرابی به اندازه جاهای دیگر نبوده است و زیرآوارمانده نداشتیم ولی خانه‌هایمان خراب شده و وضعیت اصلاً خوب نیست. تقریباً همه مردم شب را در خیابان می‌خوابند؛ آنها یا در چادر هستند یا در ماشین‌هایشان شب را روز می‌کنند؛ وضعیت شهر خیلی غیرعادی است؛ تعدادی از مردم لوازم اولیه را برای زندگی از خانه بیرون آورده و در پارک‌ها و فضای سبز زندگی می‌کنند؛ متأسفانه مسئولان شهرداری نیز رسیدگی نمی‌کنند.

این فرد درباره اینکه میزان خسارتی که به خانه‌ها وارد شده چقدر بوده است، گفت: خسارت خیلی سنگین نبوده؛ البته بسیاری از خانه‌ها قابل سکونت نیست و باید بازسازی شود. دیوارها و راه‌پله‌ها ترک دارد و وضعیت اصلاً عادی نیست. پس‌لرزه‌ها هم خیلی زیاد است و عمق این ترک‌ها را شدیدتر می‌کند؛ به همین خاطر است که مردم داخل خانه‌هایشان نمی‌روند. با اینکه مغازه‌ها در اسلام‌آباد غرب باز است و مردم می‌توانند مواد خوراکی تهیه کنند اما همچنان وضعیت پراسترسی بر شهر حاکم است. حضور خبرنگاران در این منطقه باعث شده مردم حرف‌هایی را که زمان زیادی است می‌خواهند بگویند با خبرنگاران در میان بگذارند و از کمبودهایی که دارند گلایه کنند. یکی از اهالی می‌گوید: مسئله فقط زلزله نیست؛ سال‌های زیادی است که قرار است برای ما فضای سبز مناسب درست کنند. چند دوره شورای شهر عوض شده، شهردار آمده و رفته اما هنوز ما امکانات شهری نداریم؛ حالا که شما آمدید از کمبودهای دیگر ما هم بنویسید.

کانون اصلی بحران در سرپل‌ذهاب و روستاهای اطراف آن است؛ سه روز است که امدادگران کار را آغاز کرده‌اند اما اعتراضات مردمی ادامه دارد. وضعیت کلی شهر آسیب‌دیده سرپل‌ذهاب نشان می‌دهد هرچند نیروهای امداد تلاش زیادی می‌کنند و از استان‌های معین نیز نیروی کمکی و لوازم اولیه آمده است اما مشکل اصلی در ضعف مدیریت این بحران است. امدادگران هلال احمر در بعضی قسمت‌های آسیب‌دیده حضور کم‌رنگی دارند.

یکی از معذور امدادگران هلال احمر که در بخشی از سرپل ذهاب در حال امداد رسانی است، می گوید: این اولین مأموریتی نیست که می آیم. ما برای چنین شرایطی آموزش دیدیم. مشکل اصلی این است که مدیریت چندان دست ما نیست. ضعف شدید مدیریتی وجود دارد و همین امر باعث شده امکاناتی که برای منطقه ارسال شده است، به درستی تقسیم نشود؛ ما درگیر یک مدیریت احساسی هستیم. این یک واقعیت است که نیروهای هلال احمر باید وضعیت بحرانی را اداره و امداد رسانی کنند. آنچه در ابتدا اتفاق افتاد، این بود که عده ای چادرها را بین مردمی تقسیم کردند که هر چند آسیب دیده بودند اما آسیب در مورد آنها جدی نبود و منطقه بحرانی زده جایی دیگر بود. باید کمپ هایی درست می شد و مردم آسیب دیده در کمپ ها و چادرهایی که برپا کرده بودیم، اسکان داده می شدند. اگر این اتفاق می افتاد، امکانات به درستی تقسیم می شد. امکاناتی که به این منطقه ارسال شد کم بود اما نه آن قدر که حالا مشهود است؛ بیشترین مشکل ضعف شدید مدیریتی است.

در منطقه سرپل ذهاب و محله ای که مسکن مهر وجود دارد، نیروهای ارتش در حال امداد رسانی هستند. آنها می گویند چند ساعت بعد از حادثه از پادگان کرمانشاه به منطقه اعزام شدند. یکی از سربازان می گوید: ۷۲ ساعت است که در این منطقه کار می کنیم. غذایی که استفاده می کنیم از پادگان برای ما می آورند و از غذایی که برای مردم آماده می شود استفاده نمی کنیم تا افراد بیشتری بتوانند غذا بخورند. ما از صبح که هوا روشن می شود تا زمانی که هوا تاریک شود، کار آواربرداری را انجام می دهیم.

او درباره اینکه ارتش چقدر آمادگی امداد رسانی در این گونه موارد را دارد، می گوید: ما آموزش می بینیم و در دوره آموزشی به ما می گویند و یاد می دهند که در این گونه مواقع باید چه کارهایی بکنیم. ما هم هر آنچه فرماندهان می گوید، انجام می دهیم.

وی درباره اینکه چه تعداد جنازه از زیر آوار بیرون آمده است، می گوید: متأسفانه تعداد کشته شده ها بالاست؛ حین آواربرداری جنازه بیرون می آوریم. اما نکته دیگری که وجود دارد این است که مردم نگران اموالشانند؛ کسانی که خانه هایشان در این منطقه است خودشان هم حضور دارند؛ طبقه به طبقه که آواربرداری می کنیم، دارایی هایی که قابل بیرون آوردن است جدا می کنیم و به خانواده ها تحویل می دهیم. در طبقات زیرین نمی شود اموال زیادی را بیرون کشید؛ از بین رفته اند و فقط وسایل کوچک باقی مانده است. اما در طبقات بالا دارایی های بزرگ هم قابل استفاده است که به صاحبان شان تحویل داده می شود.

مردم از حضور ارتش در منطقه بسیار راضی و می گویند سربازان ارتش بسیار به آنها کمک کرده اند. مسئله اصلی نیروهای ارتش نبود نور است. آنها می گویند با تاریک شدن هوا از آنجایی که برق منطقه قطع است و نمی شود کار کرد، امداد رسانی و آواربرداری را تعطیل می کنند و تا فردا صبح دیگر کاری انجام نمی دهند.

یکی از اهالی مسکن مهر سرپل ذهاب با نشان دادن ستون های بنای مسکن مهر که قرار بوده از بتون باشد، می گوید: این ستون ها با آجر درست شده است، معلوم است این آجر دوام ندارد. آقای احمدی نژاد به ما گفت بیا بیا با ۵۰ میلیون تومان صاحب خانه شوید و این هم شد نتیجه اش. حالا روی سرمان ویران شده.

خانه های شخصی ساز هم در این منطقه آسیب دیده اند اما آسیب آنها چندان جدی نبوده و به اندازه خانه های مسکن مهر ویران نشده اند. البته خانه هایی که ضد زلزله ساخته شده اند آسیب هایشان جزئی است و شاید یکی، دو دیوار ترک خورده باشد اما خانه های دیگر آسیب های جدی تری دیده اند.

وضعیت در سرپل ذهاب بحرانی است و مردم به شدت عصبی و غمگینند. در منطقه ای که مسکن مهر وجود دارد از هر خانواده چندین نفر جان خود را از دست داده اند. یکی از اهالی می گوید: همین افرادی که می بینید ایستاده اند هر کدام چهار، پنج نفر را از دست داده اند و اجسادشان بیرون کشیده شده است و منتظرند اجساد بقیه بیرون آورده شود.

مغازه ها خالی از مواد خوراکیند. صاحبان مغازه همان مواد کم خوراکی ای که دارند را بدون هیچ منتهی در اختیار همشهریان شان قرار می دهند. در یک سوپرمارکت مردم رفت و آمد دارند، صاحب سوپرمارکت هم ایستاده است هر کس به اندازه نیازی که دارد برمی دارد اگر پولی باشد می دهند و اگر نه می روند صاحب مغازه هم چیزی نمی گوید. او می گوید: اگر من و شما به داد این مردم نرسیم و به همدیگر کمک نکنیم چه کسی کمک خواهد کرد. وظیفه من است که همشهریانم را در این شرایط اذیت نکنم.

زن جوانی که کنار ویرانه خانه اش ایستاده است، می گوید: با شوهرم در یکی از واحدهای آپارتمانی زندگی می کردیم، راستش نمی دانم این آپارتمان را چند خریده است ولی در یک لحظه همه چیز دود شد و رفت هوا. به خاک سیاه نشستیم هر چه داشتیم از بین رفت. همه چیز خراب شد نمی دانم باید چه کار کنیم. او درباره اینکه آیا مواد غذایی به آنها رسیده است یا نه، می گوید: کدام مواد غذایی؟ در این چند روز چند تکه بیسکویت و چای خورده ام آن هم مردم داده اند نه اینکه فکر کنید کسی برایمان آورده باشد.

او درباره نحوه امداد رسانی می گوید: هیچ چیز نداریم حتی چادر نداریم اصلاً نمی توانید تصور کنید شب چطور بر ما گذشت خیلی بد بود وحشتناک بود، وحشتناک. خدا پدر این سربازهای ارتش را بیامرزد اینها به داد ما رسیدند. اینها هم آواربرداری می کنند مواد غذایی و چادر که ندارند.

نیروهای ارتش بیشتر در شهر مستقرند و نیروهای سپاه در روستاها مشغول به کار شده اند. ویرانی در روستاها هم بسیار بالاست. از آنجایی که بیشتر خانه های ساخته شده در این روستاها کاهگلی است حجم آوار و خرابی نیز بیشتر است. شهردار ازگله در مصاحبه ای نسبت به نبود چادر و امکانات در این شهر مرزی گلایه کرد و گفت: با اینکه دستورات صادر شده و مسئولان آمدند و سر زدند اما تمرکز برای امداد رسانی و اطلاع رسانی روی شهر سرپل ذهاب بوده و مردم ازگله وضعیت خوبی ندارند. از زمان زلزله مردم بیرون می خوانند مواد غذایی نداریم حتی بنزین نداریم که ماشین های شهرداری امداد رسانی کنند. مواد غذایی نداریم ما اینجا به غذا و امکانات احتیاج داریم. بچه های یک ساله و دوساله و زن و مرد پیر در خیابان می خوانند. کانون زلزله این شهر بوده و تا ۸۰ درصد تخریب شده است. درخواست داریم امداد رسانی انجام شود و کمک برسد هر کسی هر چه به دستش می رسد برای ما ارسال کند وضعیت مردم خیلی بد است.

قبرستان‌های شهر سرپل‌ذهاب تخریب شده‌اند؛ شکاف‌های عمیقی که در زمین به وجود آمده، در برخی موارد منجر به بیرون‌زدن بخشی از اجساد شده است. هنوز کسی به این روستاها سر نزده و امدادرسانی برای ساکنان آنها انجام نگرفته است.

۷۰۰ خانوار روستای کانی‌عزیز بدون حتی یک امدادگر در وضعیت بسیار بدی به‌سر می‌برند. یکی از اهالی روستای کانی‌عزیز در این باره می‌گوید: چشمه‌ای که داشتیم و آب آشامیدنی را از آن تأمین می‌کردیم، بر اثر زلزله خشک شده و مخزن آن هم ترک خورده است. آب آشامیدنی نداریم. هیچ‌کس به ما سر نزده است. یک نفر آمد ارزیابی کرد و رفت؛ دیگر نه کسی آمد و نه امکاناتی برایمان ارسال شد. وقتی اقوامی که در تهران داریم، متوجه زلزله شدند، با ما تماس گرفتند و برایمان پول واریز کردند. خودمان به کرمانشاه رفتیم و مواد خوراکی خریداری کردیم. جاده خراب شده است. تقریباً ۸۰ درصد خانه‌ها خراب شده‌اند و زن‌ها و بچه‌ها بیرون مانده‌اند. چند چادر از کرمانشاه خریداری کردیم و آوردیم تا در آن زندگی کنیم، بلکه نیروی امداد برسد؛ اما هنوز که هنوز است کسی نیامده است. قبرستان تخریب شده و امکان اینکه مرده‌هایمان را دفن کنیم، وجود ندارد. شش نفری که در این روستا مرده‌اند، همین‌طور بدون مراسم شرعی دفن شدند. دو نفرشان مادر و دختر بودند که کنار هم گذاشتیم و دفن کردیم. آب نبود که غسل بدهیم.

برخی اخبار حاکی از آن است که حدود صد نفر از قربانیان زلزله به همین شیوه و بدون صدور جواز دفن، به خاک سپرده شده‌اند.

مردم روستای کانی‌عزیز و ناوه‌فره در وضعیت بسیار سختی به‌سر می‌برند. راه‌های ارتباطی این دو روستا قطع شده است و پس‌لرزه‌ها باعث شده مردم به‌شدت بترسند. ۸۰ درصد خانه‌ها تخریب شده است. سوخت وجود ندارد و مردم برای اینکه بتوانند خود را گرم کنند، از تیرچه‌های چوبی و درهای شکسته خانه‌های تخریب‌شده استفاده می‌کنند تا آتش روشن کنند.

همچنین برخی از مردم با استفاده از چوب‌های خانه‌های تخریب‌شده، ستون‌هایی درست کرده و با کشیدن کیسه‌های پلاستیکی که از کرمانشاه خریداری کرده‌اند، چیزی شبیه چادر ساخته‌اند تا بتوانند شب را در آنجا بگذرانند. باین‌حال آن اهالی که توانستند کمی روی پای خود بایستند و برای خودشان چادر درست کردند، از اقوامشان در شهرهای دیگر کمک گرفته و به روستاهای اطراف رفته‌اند تا به زلزله‌زدگان کمک کنند و برای آنها آذوقه ببرند.

یکی از اهالی روستای ناوه‌فره می‌گوید: سوخت نیست و ما در شرایط سختی به کرمانشاه رفت‌وآمد می‌کنیم. تلاشمان این است تا جایی که می‌توانیم، هرچه می‌خواهیم در یکی، دو بار رفت‌وآمد تهیه کنیم؛ چون وضعیت پیدا کردن سوخت خیلی سخت است. ضمن اینکه چون نیروی انتظامی نیست، نگران این هستیم مبادا اتفاقی برای زن‌ها و بچه‌ها بیفتد؛ به همین خاطر مردان روستا سعی می‌کنند شبانه‌روزی خودشان از روستا مراقبت کنند. اگر کمک‌هایی که مردم از تهران برایمان واریز می‌کنند نبود، معلوم نبود چطور می‌توانستیم این سه روز زندگی کنیم.

کمبودها فقط شامل غذا و چادر نیست و حتی دارو نیز برای امدادرسانی بسیار کم است. یکی از اهالی سرپل‌ذهاب درباره این موضوع می‌گوید: وقتی بیمارستان سرپل‌ذهاب تخریب شد، نیروها می‌ترسیدند وارد بیمارستان شوند؛ البته درست هم می‌گفتند، ممکن بود هر لحظه بقیه آوار روی سرشان بریزد. من و یکی از دوستانم وارد خرابه شدیم، به سمت داروخانه رفتیم و هرچه دارو بود جمع کردیم و با خودمان آوردیم. اگر همان داروها نبود، شاید تلفات خیلی بیشتر می‌شد. او درباره اینکه با داروها چه کار کردند، می‌گوید: همه داروها را به پزشکانی که بیرون بیمارستان کار می‌کردند، دادیم و بعد هم که بیمارستان صحرایی آمد، داروها را به آنجا منتقل کردند. چند قطعه وسیله پزشکی به‌دردبخور که سالم مانده بود نیز بیرون آوردیم. البته کار خیلی خطرناکی کردیم، ممکن بود هر پس‌لرزه کوچکی بقیه آوار را روی سرمان بریزد؛ اما چاره‌ای نبود.

مردم روستاهای اطراف نیز با داروهایی که توانسته بودند از داروخانه کرمانشاه تهیه کنند، مجروحانشان را پانسمان کرده و همچنان منتظر نیروهای امدادند. یکی از اهالی روستا می‌گوید: اگر به ما کمک نرسد، ممکن است تعدادی از اهالی بر اثر بیماری جان خود را از دست بدهند. فقط جراحات اهالی روستا نیست، احشامی داشتیم که همگی زیر آوار تلف شدند. اگر نتوانیم آنها را دفن کنیم، مریضی در روستا می‌پیچد و نمی‌شود کاری کرد. کلی آدم می‌میرد. سه روز گذشته و ما نگران این هستیم که بیماری این دام‌های تلف‌شده جانمان را بگیرد. این دام‌ها همه زندگی ما بود که از دست دادیم.

علی، یکی از اهالی روستا، درباره اینکه آیا کسی زیر این آوارها مانده است یا نه، می‌گوید: ما تعدادمان در روستا کم است. همدیگر را می‌شناسیم و می‌دانیم چه کسی کجا زندگی می‌کند. آن‌طور که خودمان سرشماری کردیم، همه هستند و کسی زیر آوار نیست؛ اما زندگی‌مان به‌طور کامل از بین رفته است. با امکاناتی که خودمان تهیه کردیم، توانستیم تا امروز خودمان را زنده نگه داریم. حتی یک پتو برایمان نیاورده‌اند. اینجا منطقه کوهستانی است. هوا سرد و بورانی است؛ اما اصلاً به ما رسیدگی نشد. خبرنگار اعزامی «شرق» که خود نیز شب را بدون امکانات گذرانده، گزارش کرده حتی در سرپل‌ذهاب که تمرکز امدادرسانی در آنجاست نیز باز برخی مردم بدون پتو و چادر شب را به صبح رسانده‌اند.

یکی از امدادگران هلال‌احمر که مسئولیت عملیات در منطقه را بر عهده داشت نیز نتوانست پتوهای ارسالی به منطقه را از دست یکی از رانندگان خودرو بگیرد و به مردم بدهد. این راننده ۱۲ پتو را نگهداری می‌کرد و مدعی بود مسئولان گفته‌اند پتوها به کسی داده نشود و نمی‌پذیرفت پتوها را به مسئولی که در منطقه بود، تحویل بدهد.

یکی از اهالی می‌گوید: وضعیت طوری شده که باید برای گرفتن پتو و چادر جنگید؛ هرکسی جثه قوی‌تری داشته باشد و سماجت بیشتری انجام دهد، می‌تواند مقدار کمی امکانات بگیرد؛ مثلاً خانواده‌ای قدرتمند بوده و مردانش توانسته‌اند چند چادر بگیرند،

اما خانواده‌ای هم بوده که اصلاً نتوانسته چیزی بگیرد. من فلج هستم و نتوانستم خودم کاری بکنم، مادرم جلو رفت که چیزی بگیرد و توانست فقط یک پتو بگیرد. مردم این منطقه در سال‌های جنگ خیلی زحمت کشیدند و حالا انتظار دارند مردم ایران به آنها کمک کنند.

وضعیت روحی مردم بعد از حضور روحانی، رئیس‌جمهوری، در میان آنها بهتر شد و آنها امیدوارانه‌تر منتظر امدادرسانی هستند. گفته می‌شود با پخش خبر رسیدن سه هزار چادر به فرمانداری سرپل ذهاب مردم مقابل در فرمانداری تجمع کردند، اما مسئولان اعلام کردند چادرها را برپا کرده و خود مردم را در آنجا ساکن می‌کنند. این اقدام مسئولان برای جلوگیری از تکرار اشتباه روزهای گذشته در توزیع چادر است. در روزهای ابتدایی امدادرسانی، از آنجایی که چادرها در اختیار مردم قرار می‌گرفت، عده‌ای که نیاز کمتری داشتند و می‌توانستند در خانه‌ها بمانند چادر دریافت کردند، اما مردم نیازمند بی‌چادر ماندند. بنابراین به پیشنهاد مدیران هلال‌احمر قرار شد کمپ‌هایی تدارک دیده شود و مردم در آن کمپ‌ها ساکن شوند. هرچند گفته می‌شود نگرانی‌هایی درباره امنیت وسایل زیر آوار مانده وجود دارد، اما مأموران انتظامی و امنیتی اعلام کردند امنیت در شهر برقرار است و اگر هم سرقت‌هایی اتفاق افتاده، سرقت‌های خرد بوده است. باین‌حال مردم نسبت به برقراری امنیت ناراضی ندارند و گلایه آنها از نبود امکانات است.

درخواست کمک برای مردم زلزله‌زده کرمانشاه از سوی سازمان‌ها و سمن‌ها آغاز شده است. رئیس‌جمهوری دیروز بعد از بازدید از مناطق زلزله‌زده از مردم خواست به آسیب‌دیدگان کمک کنند. روز گذشته هلال‌احمر اعلام کرد در مناطق ونک و تجریش، میدان ولیعصر و چند میدان اصلی شهر تهران برای جمع‌آوری کمک‌های غیرنقدی مردم امکاناتی فراهم می‌کند. ضمن اینکه مردم می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره حساب‌های ۹۹۹۹۹ به نام هلال‌احمر نزد بانک‌های ملی، ملت، صادرات، رفاه، مسکن، دی، تجارت، سپه، پارسیان، شهر، آینده و رسالت و شماره حساب ۷۰۲۰۷۰ (ارزی دلار)، ۸۰۰۳۰۰ (ارزی یورو) بانک ملی و ۱۴۰۴۴۴۰ (ارزی دلار) بانک ملت واریز کنند.

همچنین کدهای #۱۱۲*۳۷۴۱* و #۷۲۴* برای پرداخت آسان موبایلی و شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۷۷۰۰۶۴۶۰۶ برای دریافت و ارسال کمک‌های نقدی به زلزله‌زدگان در دسترس شهروندان خواهد بود.

از استان‌های دیگر هم خبر رسیده است مراکزی برای دریافت کمک‌های مردمی راه‌اندازی شده و مردم می‌توانند اقلام اهدایی خود را به این مراکز تحویل دهند. پتو، چادر و لباس گرم بیشترین نیاز مردم این منطقه است.

منبع/ روزنامه شرق

برچسب‌ها: [حوادث](#) [1]

[ایش](#) [2]